

Received: 2022/8/24

Accepted: 2023/5/5

from 145 to 163

**Mehdi Shamohammadi
Bani**

Assistant Professor, Department
of Quranic and Hadith Sciences,
Shahid Mahallati University of
Islamic Sciences
mahdi1433@gmail.com

The semantics of “mercy” and its educational role in the social field from the perspective of verses and traditions

Abstract

Managing society has become an arduous task due to the intricate nature of human social systems and the myriad challenges threatening social welfare. The Islamic faith imparts a set of moral principles, with a crucial emphasis on the precise comprehension of key terms. One such pivotal term is “mercy.” This research endeavors to address two fundamental inquiries: Firstly, what does “mercy” signify in the realm of social interactions? Secondly, what are the educational ramifications of “mercy” in the context of social relationships? To answer these questions, we conducted a descriptive-analytical qualitative study, scrutinizing verses and narrations. Initially, we dissected the concept of “mercy” within social relations. Our findings revealed that “mercy” extends beyond inner human qualities like kindness, compassion, and empathy; it encompasses selfless actions aimed at mitigating the deficiencies and vulnerabilities of others. Furthermore, the presence of mercy in social bonds yields educational benefits that profoundly impact social well-being. These benefits encompass fostering adaptability in communal life, nurturing interpersonal relationships and solidarity, promoting forgiveness and reconciliation, instilling a sense of societal responsibility, ensuring robust relational security, fulfilling needs to the maximum extent, cultivating patience in dispensing mercy, and ultimately serving as the cornerstone for personal and societal growth.

Keywords:

Mercy, Education, Social Relations,
Social Well-being, Quran,
Narrations

معناشناسی «رحمت» و نقش تربیتی آن در حوزه‌ی اجتماعی از دیدگاه آیات و روایات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۶/۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۲/۱۵
از صفحه ۱۴۵ تا صفحه ۱۶۳

چکیده

پیچیدگی نظام اجتماعی انسان و مسائل و مشکلات متعددی که به‌بهزیستی اجتماعی را تهدید می‌کند، امر مدیریت اجتماع را بسیار سخت نموده است. از آنجا که وضع قانون به‌تنهایی قدرت حل و فصل همه‌ی مسائل اجتماعی را ندارد، دین اسلام مجموعه‌ای از آموزه‌های اخلاقی را نیز به‌کار گرفته است. شناخت درست این آموزه‌ها امری دشوار و نیازمند مقدماتی است. شناخت دقیق از مفهوم واژگان کلیدی یکی از مهم‌ترین بایسته‌های فهم و کاربست درست و حداکثری آموزه‌ی دینی است. «رحمت» یکی از این دست واژگان است. هدف پژوهش حاضر پاسخ به این دو پرسش اساسی است: مفهوم دقیق واژه‌ی «رحمت» در حوزه‌ی روابط اجتماعی چیست؟ آثار تربیتی «رحمت» در روابط اجتماعی چیست؟ در پاسخ به این دو پرسش، با روش مطالعه‌ی کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی، آیات و روایات بررسی و تحلیل شده است. ابتدا مفهوم «رحمت» در حوزه‌ی روابط اجتماعی واکاوی گردیده است. مطابق یافته‌های پژوهش، واژه‌ی «رحمت» صرفاً به انفعالات درونی انسان همچون مهربانی و دلسوزی و ترحم محدود نیست، بلکه شامل اقدام ایثارگرانه و بدون چشم‌داشت برای جبران نقص و ضعف مرحوم نیز می‌شود؛ همچنین وجود رحمت در روابط اجتماعی آثار تربیتی‌ای به دنبال دارد که تأثیر شگرفی بر بهزیستی اجتماعی خواهد داشت. این آثار عبارت‌اند از: انعطاف‌پذیری در زندگی جمعی، توسعه‌ی روابط و همبستگی اجتماعی، گسترش گذشت، تغافل و استغفار، ایجاد حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه، برقراری امنیت کامل در روابط، برآورده شدن حداکثری نیازها، نداشتن چشم‌داشت در ایصال رحمت و درنهایت، زمین‌ساز رشد فردی و اجتماعی

مهدی شامحمدی بنی
استادیار گروه علوم قرآن و حدیث
دانشگاه علوم اسلامی شهید
محلّاتی (ره)
mahdi1433@gmail.com

واژگان کلیدی:

رحمت، تربیت، روابط اجتماعی،
بهزیستی اجتماعی، قرآن، روایات

انسان محکوم به زندگی اجتماعی است (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج ۱، ص ۴۱) و زندگی جمعی جز با تلاش و همت همه‌ی افراد جامعه، روی سعادت و خوشبختی را نخواهد دید. همیشه افراد بسیاری در جامعه وجود دارند که از محرومیت‌ها و کاستی‌های معنوی و مادی رنج می‌برند. فرزندانیتیم‌اند، افرادی که بیسواد یا دچار فقر فرهنگی هستند، زنانی که بیوه‌اند و سرپرستی فرزندان را به عهده دارند، کسانی که به اشکال مختلفی با فقر مادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، کسانی که از هدایت به حق محروم‌اند، کسانی که از رذایل اخلاقی رنج می‌برند، افراد عزتمندی که زمین خورده‌اند، کهن‌سالان و کودکانی که قدرت برآوردن حاجات خود را ندارند و بسیاری از ضعفها و محرومیت‌های دیگر. نتیجه‌ی چنین شرایطی نبود بهزیستی اجتماعی و سعادت نداشتن جامعه خواهد بود. این افراد به‌تنهایی قادر به رفع حاجات خود نیستند؛ درنتیجه، افراد دیگر و کارگزاران حکومت هستند که باید نسبت به آنان احساس مسئولیت کنند، مهربانی و ترحم نمایند و برای قوت بخشیدن به آنان و رفع محرومیتها و کاستیهای آنان تلاش کنند؛ بنابراین، سعادت جمعی جز با تشریک مساعی و جمع و توزیع کردن قوت افراد جامعه در میان ضعفا و نیازمندان و محرومان امکان‌پذیر نیست.

از سوی دیگر، زندگی جمعی همیشه مستعد انواع تضادها، نامهربانی‌ها، نافرمانی‌ها، اشتباه‌ها، خشونت‌ها و دیگر مسائلی از این‌دست در میان افراد جامعه است که همواره کیفیت روابط اجتماعی و درنتیجه، بهزیستی اجتماعی را تهدید می‌کند. در اینجا نیز، اگر افراد جامعه آراسته به فضایل اخلاقی نباشند، هرگز نخواهند توانست این اصطکاک‌ها و درگیری‌ها را مدیریت و حل‌وفصل نمایند.

اسلام آموزه‌های بسیار فراوانی برای تشکیل جامعه‌ای با کمترین مشکلات و درد و رنج‌ها دارد. در این میان، برخی از این آموزه‌ها به‌گونه‌ای هستند که از گستردگی فراوانی برخوردارند و بسیاری از آموزه‌های دیگر را در درون خود جای می‌دهند؛ درنتیجه، اگر همه‌ی یا بیشتر افراد جامعه متخلق به چنین آموزه‌هایی شوند، بخش چشمگیری از مشکلات و مسائل اجتماع حل‌وفصل خواهد شد. یکی از این آموزه‌ها که به شکل گسترده‌ای در منابع دینی به آن توجه گشته است و نقش بسزایی در تنظیم روابط اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی جمعی دارد، مسئله‌ی «رحمت» در روابط اجتماعی است. متأسفانه این واژه همچون بسیاری از واژگان دیگر، آن‌گونه که باید مورد واکاوی معناشناسانه قرار نگرفته است و درنتیجه، عامه‌ی مردم تصور صحیح و دقیقی از معنای آن ندارند. آنچه از معنای این واژه متبادر به ذهن می‌شود، داشتن احساس مهربانی، دلسوزی و ترحم نسبت به کسی است که دچار درد و رنجی شده است، درحالی‌که یک بررسی دقیق، معنایی به‌مراتب ژرف‌تر و گسترده‌تر را به ما نشان می‌دهد؛ پس قدم اول در فهم درست آموزه‌های دینی و کاربرست آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، فهم دقیق و صحیح از معنای واژگان کلیدی است. هدف پژوهش حاضر دو چیز است: یکی بررسی معناشناسانه‌ی واژه‌ی «رحمت» در حوزه‌ی روابط اجتماعی و زندگی جمعی و دیگری تبیین آثار تربیتی روابط اجتماعی مبتنی بر رحمت که به بهبود

بهزیستی اجتماعی منجر می‌شود. تلاش گردیده است با مراجعه به کتب لغت عرب و همچنین آیات و روایات و کمک گرفتن از تفاسیر، پاسخی درخور و شایسته برای این دو هدف ارائه شود. بررسی نگارنده نشان می‌دهد، مقالات فراوانی در حوزه‌ی معناشناسی رحمت نگاشته شده است؛ اما غالباً مرتبط با بررسی مفهوم رحمت الهی است، نه رحمت در حوزه‌ی روابط اجتماعی. در این میان، مقالاتی هم وجود دارد که تا حدی مسئله‌ی رحمت در روابط اجتماعی را بررسی کرده‌اند؛ از جمله: «اصل رحمت در حکمرانی از منظر قرآن» به قلم محمدجواد ارسطا و سید احمد حبیب‌نژاد، «جلوه‌ای از اصل مودت و رحمت در سیره‌ی خانوادگی پیامبر اعظم (ص)^۱» نوشته‌ی مصطفی دلشاد تهرانی و «راهکارهای اخلاقی مرتبط با اصل مودت و رحمت میان همسران از منظر قرآن کریم» از ناصر قربان‌نیا و معصومه حافظی؛ اما هیچ‌کدام از این مقالات نه به معناشناسی دقیق واژه‌ی رحمت پرداخته‌اند و نه تأثیر و جایگاه رحمت در روابط اجتماعی را بررسی نموده‌اند. پایان‌نامه‌های فراوانی نیز در این باره نوشته است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: بررسی جایگاه رحمت و خشونت در سیره‌ی حکومتی امیرالمؤمنین (ع)^۲ از مصطفی داوری، معناشناسی رحمت و محبت در قرآن از لاله‌زار حاتم‌ی، معناشناسی رحمت در قرآن کریم از علی رفیعی، دلالت‌های تربیتی نظریه‌ی رحمت از منظر قرآن از جبرائیل آبی اف، بررسی جلوه‌های رحمت و محبت در مدیریت اجتماعی و نظامی امام علی (ع)^۳ در نهج‌البلاغه از فاطمه آقابابایی و الرحمة والمغفرة فی القرآن الکریم (الحقیقة - الأقسام - الآثار) از اوراس الجادری. در این پایان‌نامه‌ها هرچند معنای واژه‌ی رحمت به شکل نسبتاً مناسبی بررسی شده؛ اما از حد مراجعه به کتب لغت فراتر نرفته است و معنای گسترده و دقیق آن تبیین نگردیده است؛ همچنین چندان به آثار رحمت در روابط اجتماعی و ویژگی‌های روابط رحمت‌محور پرداخته نشده است.

روش پژوهش

تحقیقات علمی بر اساس ماهیت و روش به گونه‌های مختلفی تقسیم می‌شود که یکی از آن‌ها تحقیق توصیفی است (عسکری‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۸۲-۸۰). محقق در این‌گونه تحقیقات سعی می‌کند آنچه را که هست، بدون هیچ‌گونه دخالت یا استنتاج ذهنی، بر اساس اطلاعاتی که صرفاً جنبه‌ی وصفی دارد، گزارش دهد. البته در این روش می‌توان علاوه بر گزارش و توصیف موضوع، آن را تحلیل کرد. این روش تحقیق انواع مختلف «تحقیق تداومی و مقطعی»، «تحقیق توصیفی موردی»، «تحقیق توصیفی زمینه‌یاب» و «تحقیق توصیفی تحلیل محتوا» دارد؛ زیرا با شیوه‌ها و نگاه‌های مختلفی می‌توان موضوعات را توصیف کرد. در روش اخیر، هدف از تحقیق فهم و تحلیل محتوای يك متن است. در چنین تحقیقی، محقق برای شناخت دقیق مقصود گوینده یا نویسنده و تجزیه، تحلیل و توصیف مطالب آن تلاش می‌کند (حسینی، ۱۳۹۳، ص ۱۹-۱۸). این تحقیق به دنبال فهم دقیق معنای واژه‌ی «رحمت» در حوزه‌ی روابط اجتماعی و تأثیر روابط مبتنی بر رحمت بر تنظیم و اصلاح روابط اجتماعی است؛ بنابراین، تا حد بسیاری پژوهشی

اکتشافی محسوب می‌گردد و هیچ فرضیه و چارچوب نظری از پیش تعیین‌شده‌ای ندارد. پژوهش حاضر برای رسیدن به هدف خود، از روش کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی بهره برده است. اطلاعات پژوهش نیز با ابزار کتابخانه و استفاده از نرم‌افزارهای تخصصی به دست آمده است. فرایند بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی در این پژوهش بدین شکل است که ابتدا با مراجعه به حدود پانزده منبع لغت‌شناسی زبان عرب، معانی متعدد بیان‌شده برای واژه‌ی «رحمت» استخراج گردیده است؛ سپس تعاریف برخی از مفسران از این واژه نیز بررسی شده و آنگاه با جمع‌بندی میان این بیانات، مفهوم منتخب واژه‌ی «رحمت» تبیین گردیده است؛ سپس با بررسی آیات و روایات، سطوح کاربری «رحمت» در روابط اجتماعی بررسی شده است. در پایان، مبتنی بر معناشناسی صورت‌پذیرفته و تلازم میان مشتقات ماده‌ی «رحم» و همچنین بر اساس آیات و روایات، هشت ویژگی و اثر برای روابط اجتماعی مبتنی بر «رحمت» تبیین گردیده است.

۱. معناشناسی رحمت

«رحمت» از ماده «ر ح م» است و در کتب لغت عرب، برای «رحمت» معانی متعددی ذکر شده است: ۱. عطف (جوهری، ۱۴۰۴، ص ۵؛ ۱۹۲۹؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۸؛ فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ازهری، ۱۴۲۱ ج ۵، ص ۳۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۳۰). ۲. برّ و نیکی (صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹۵؛ ابن‌سیده، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۳۶؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۴۵۴). ۳. انعام (به کسی که به آن محتاج است) (عسگری، ۱۴۰۰، ص ۱۹۰). ۴. رقت (جوهری، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۱۹۲۹؛ فیومی، بیتا، ج ۲، ص ۷۰۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۸؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۱؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۵). ۵. رأفت (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۸). ۶. احسان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۷). ۷. مغفرت (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۳۰؛ موسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۹۲؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۵). ۸. برطرف کردن گرفتاری از مرحوم و اذیت نکردن او (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۲۷۴). ۹. حنّه (فیومی، بیتا، ج ۲، ص ۷۰۴؛ موسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۹۲). ۱۰. حب؛ ۱۱. شفقت؛ ۱۲. لطف و ۱۳. افضال.

صاحب‌التحقیق پس از ذکر معانی مختلفی که برای ماده‌ی «رحم» گفته شده است، از نبود تمیز میان این معانی توسط اهل لغت انتقاد می‌کند و آنگاه توالی ظهور و بروز این معانی در انسان را این‌گونه می‌داند: «فَالرِّقَّةُ تُوْجَدُ فِي الْقَلْبِ أَوْلًا، ثُمَّ يَحْصُلُ اللَّطْفُ، ثُمَّ الْعُطُوفَةُ، ثُمَّ الْحَنَّةُ، ثُمَّ الْمَحَبَّةُ، ثُمَّ الشَّفَقَةُ، ثُمَّ الرَّأْفَةُ، ثُمَّ الرَّحْمَةُ»؛ سپس در تعریف «رحمت» می‌نویسد: رحمت تجلی رأفت و ظهور رقت شدید و شفقت در مقام اظهار است که در آن خیر و صلاح فرد مورد ترحم ملاحظه می‌شود، هرچند توأم با نارضایتی، درد و ابتلای در او باشد؛ همچون نشان دادن داروی تلخ به بیمار. ایشان همچنین سه معنای احسان، انعام و افضال برای رحمت را نیز نه معنای رحمت، بلکه از مصادیق آن می‌دانند که هرکدام نوعی از رحمت هستند با ویژگی‌های خاص خود (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۴، ص ۹۱).

یکی از واژگانی که لغت‌شناسان عرب ذیل ماده‌ی «رحم» و در ارتباط با «رحمت» بدان پرداخته‌اند، واژه‌ی «رَحِم» یعنی محل رشد جنین در وجود مادر است. لغت‌شناسان برای این واژه

دو معنا ذکر کرده‌اند: ۱. قرابت و نزدیکی (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۲۲۴؛ ازهری، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۳۳؛ صاحب، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۹۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۷؛ فیومی، بیتا، ج ۲، ص ۷۰۴؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۶۸؛ موسی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۹۲؛ قریشی، ۱۹۷۱، ج ۳، ص ۶۸)؛ ۲. اسباب قرابت (ابن درید، ۱۹۸۸، ج ۱، ص ۵۲۳؛ ابن سیده، ۱۴۲۱، ج ۳، ص ۳۳۶؛ ازدی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۵۱۷؛ حمیری، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۲۴۵۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۳۰؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۲۷۴؛ مهنا، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۵). برخی اصل «رَحِم» را از «رحمة» می‌دانند (ابن درید، ۱۴۱۱، ص ۵۹؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۷؛ ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۹۸) که عاملی برای ظهور و بروز رقت و احسان میان افراد منتسب به یک رحم می‌شود. در این باره روایاتی نیز از رسول مکرّم اسلام^(ص) نقل شده است: «من الله و رحمن هستم. رَحِم را خلق کردم و نامش را از نام خودم برگرفتم» (ترمذی، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۱۰؛ ابوداود، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۱۹).

شاید نتوان به طور قطع بیان کرد که آیا رحمت ریشه‌ی رَحِم است یا بالعکس (راغب اصفهانی، ۱۴۰۵، ص ۱۱۴)؛ اما ارتباط معنایی دوسویه میان «رحمت» و «رَحِم» امری قطعی به نظر می‌رسد و این امر نشان می‌دهد که میان معنای انتزاعی رحمت و معنای طبیعی رَحِم ارتباطی وجود دارد که در جمع میان این دو، ملاحظه‌ی تناسب شرایط آن‌ها الزامی است؛ به بیان دیگر، اگر ویژگی‌هایی در تعریف واژه‌ی رَحِم (معنای طبیعی) وجود دارد، این خصوصیات در تعریف واژه‌ی رحمت (معنای انتزاعی) نیز باید متناسب با آن بازتعریف گردد تا ارتباط معنایی این دو به خوبی آشکار شود. در این باره به زودی توضیح بیشتری ارائه خواهد شد.

علامه طباطبایی در تبیین رابطه‌ی میان رَحِم و رحمت می‌نویسد:

«معنای کلمه‌ی "رحم" عبارت از آن جهت وحدتی است که به خاطر تولد از یک پدر و مادر و یا یکی از آن دو در بین اشخاص برقرار می‌شود و (در حقیقت) باعث اتصال و وحدتی می‌شود که در ماده‌ی وجودشان نهفته است. این یک امر اعتباری و خیالی نیست، بلکه حقیقتی است جاری در بین ارحام و آثار حقیقی در خلقت و در خوی آنان دارد و نیز در جسم و در روحشان موجود است که به هیچ وجه نمی‌شود آن را منکر شد... رحم یکی از قوی‌ترین عوامل برای التیام و آشتی و دوستی بین افراد یک عشیره است و استعداد قوی‌ترین اثر را دارد و به همین جهت است که می‌بینیم نتایجی که عمل خیر در بین ارحام می‌بخشد، شدیدتر است از نتایجی که همین خیر و احسان در اجانب دارد و همچنین اثر سویی که بدرفتاری در میان ارحام می‌بخشد، بسیار قوی‌تر است از آثار سویی که این‌گونه رفتارها در بین بیگانگان دارد. اینجا است که معنای کلام امیرالمؤمنین^(ع) روشن‌تر فهمیده می‌شود که فرمود: هرگاه یکی از شما نسبت به فردی از ارحام خویش خشمگین شد، به او نزدیک شود؛ چراکه نزدیک شدن به رحم، هم رعایت کردن حکم رحم است و هم تقویت و پشتیبانی از او است که همین دو جهت او را به یاد می‌آورد که طرف مقابل رحم او است و تحریک می‌کند به اینکه بیشتر حکم رحم را رعایت کند و در نتیجه، بار دیگر اثرش ظاهر گشته و در طرفین رأفت و رحمت پدید آورد» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۲۳۵).

به نظر می‌رسد، گستره‌ی معنایی رحمت به گونه‌ای است که یک مرحله بالاتر از مودت و دوستی قرار می‌گیرد و نوعی از ایثار و از خودگذشتگی برای برطرف کردن نقصان و ضعف دیگران در آن مشاهده می‌شود. یکی از مفسران در تفسیر آیه‌ی «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱)؛ و میانتان

دوستی و رحمت نهاد»، در بیان معنای رحمت می‌نویسد:
«مودت غالباً جنبه‌ی متقابل دارد؛ اما رحمت یک‌جانبه و ایثارگرانه است؛ زیرا برای بقای يك جامعه، گاه خدمات متقابل لازم است که سرچشمه‌ی آن مودت است و گاه خدمات بلاعوض که نیاز به ایثار و رحمت دارد. مودت انگیزه‌ی ارتباط در آغاز کار است؛ اما در پایان که یکی از دو همسر ممکن است ضعیف و ناتوان گردد و قادر بر خدمتی نباشد، رحمت جای آن را می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۱، ج ۱۶، ص ۳۹۳).

و مفسر دیگری می‌نویسد: میان زوج و زوجه رحمت را قرار داد؛ یعنی احسان به یکدیگر، خدمت به یکدیگر، دلسوز یکدیگر حتی بسا بر خود مقدم میدارد (طیب، ۱۳۶۹، ج ۱۰، ص ۳۷۵).
بعد دیگر معنای رحمت، تلاش برای رفع محرومیت و ضعف مرحوم است. علامه طباطبایی در این باره در موارد متعددی می‌نویسد:

«رحمت به معنای نوعی تأثیر نفسانی است که از مشاهده محرومیت محرومی که کمالی را ندارد و محتاج به رفع نقص است، در دل پدید می‌آید و صاحب‌دل را وادار می‌کند به اینکه در مقام برآید و او را از محرومیت نجات داده و نقصش را رفع کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۵۰)؛
«رحمت به معنای تأثر قلب است؛ اما نه هر تأثیری، بلکه تأثر خاصی که از مشاهده ضرر و یا نقص در دیگران به آدمی دست می‌دهد و آدمی را وامی‌دارد که در مقام جبران ضرر و اتمام نقص او برآید» (ج ۱۰، ص ۱۱۷)؛ «رحمت صفتی است انفعالی و تأثر خاصی است درونی که قلب هنگام دیدن کسی که فاقد چیزی و یا محتاج به چیزی است که نقص کار خود را تکمیل کند، متأثر شده و از حالت پراکندگی به حالت جزم و عزم درمی‌آید تا حاجت آن بیچاره را برآورد و نقص او را جبران کند» (ج ۱، ص ۲۹) و «رحمت عبارت است از افاضه‌ی نعمت بر مستحق و ایصال هر چیزی به سعادت که لیاقت و استعداد رسیدن به آن را دارد» (همان، ج ۷، ص ۳۵).

ایشان ذیل آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم؛ پس از تبیین آثار رحمت در مجتمع منزلی، درباره‌ی آثار آن در مجتمع بزرگ مدنی می‌نویسد: «همانند این مودت و رحمت در میان افراد جامعه نیز مشاهده می‌گردد. افراد جامعه به‌واسطه‌ی مودت باهم انس می‌گیرند و به‌واسطه‌ی رحمت بر مساکین، عاجزان و افراد ضعیفی که قادر به تأمین نیازهای اولیه و اساسی خود نیستند، رحم می‌کنند» (همان، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

مناوی به نقل از قرطبی می‌نویسد: رحمت رقت و دلسوزی است که انسان به هنگام دیدن ابتلای دیگران یا دیدن افراد کوچک یا ضعیف در خود احساس می‌کند که او را به‌سوی نیکی کردن در حق او لطف و رفق با او و برطرف کردن ضعف و ابتلای او سوق میدهد (مناوی، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۲۲).
جرجانی نیز در تعریفات خود در تبیین معنای رحمت در حوزه‌ی اجتماعی می‌نویسد: رحمت اراده‌ی خیر رساندن به دیگران است (جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۱۵). صاحب تفسیر بیان السعاده در تبیین معنای رحمت می‌گوید: بین شما رحمت را قرار داد تا این رقت سبب شود شما از یکدیگر حراست کنید و نسبت به خیر و صلاح یکدیگر اهتمام بورزید (سلطان علی‌شاه، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۲۱۷).
بسیاری از مفسرین نیز واژه‌ی رحمت در آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی روم را به شفقت معنا کرده‌اند

(شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۸۹؛ حقی، بیتا، ج ۷، ص ۲۰؛ نهاوندی، ۱۳۸۶، ج ۵، ص ۹۶؛ نووی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۲۲۸). روایات نیز مؤید این معنا است. شفقت از ریشه‌ی «شفق»، به ویژگی فردی گفته می‌شود که دلسوز و خیرخواه دیگری است و برای او نگران است و صلاح او را می‌خواهد (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۵، ص ۴۴). شفقت غایت خیرخواهی را می‌رساند (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۰، ص ۱۸۰). راغب «اشفاق» را توجهی می‌داند که با ترس و نگرانی همراه است و فرد «مشفق» فرد مدنظر خود را دوست دارد و از مشکل و رنجی که به او رسیده است، نگرانی دارد (راغب، ۱۴۰۵، ص ۴۵۸). «شفقت نگرانی و توجه به سرنوشت افراد به‌وسیله‌ی مهربانی، رحمت، دلسوزی، خیرخواهی و بر حذر داشتن خود و دیگران از خطرات، با انگیزه‌ی هدایتگری، ایجاد امید و اصلاح امور خود و دیگران برای پیشگیری و کاهش رنج‌ها و مشکلات و سرانجام، قرار گرفتن در مسیر هدایت و سعادت در دنیا و آخرت است» (جابر، ۱۳۹۸، ص ۱۰۲).

با عنایت به آنچه بیان گردید، به نظر می‌رسد که رحمت صرفاً به معنای دلسوزی کردن نسبت به دیگران نیست، بلکه به معنای حس رقت قلبی ممدوحی است که به‌واسطه‌ی مشاهده‌ی فقدان، نقصان، ضعف و ناتوانی‌ای که در دیگری هست و محرومیت او از آنچه لیاقتش را دارد، در درون ما پدیدار می‌گردد و توجه و عطوفت ما را برمی‌انگیزاند و باعث می‌شود که ما با محبت و مهربانی و دلسوزی و رأفت نسبت به محرومیت او، در مقام رفع فقدان و نقصان و ضعف او برآییم و برای تحقق این هدف، ایثارگرانه، خیرخواهانه و بدون چشم‌داشت تلاش کنیم و در این راه از ناملایمات گذشت و تغافل داشته باشیم و این رحمت در میان وابستگان به یک رحم از شدت بیشتری برخوردار است.

مرتبه‌ی اعلا‌ی این رحمت در میان انسان‌ها، منتسب به رسول مکرم اسلام^(ص) است که قرآن کریم درباره‌ی ایشان می‌فرماید: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است» (توبه: ۱۲۸)؛ و می‌فرماید: «شاید تو از پی ایشان از غم اینکه چرا قرآن را باور ندارند، خویشان را هلاک کنی» (کهف: ۶)؛ و می‌فرماید: «گویا می‌خواهی خویشان را تلف کنی، برای اینکه آنان ایمان نمی‌آورند» (شعراء: ۳)؛ و می‌فرماید: «و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم» (انبیاء: ۱۰۷).

۲. سطوح رحمت در روابط اجتماعی

مطابق آموزه‌های دین اسلام، مسئله‌ی رحمت در روابط اجتماعی محدود به سطح خاصی نیست و در همه‌جا باید مدنظر قرار گیرد. رحمت در روابط اجتماعی را می‌توان در سطوح مختلف آن در نظر گرفت: ۱. در ارتباطات خرد اجتماعی شامل ارتباط میان مؤمنان و ارتباط میان مؤمنان و غیرمؤمنان؛ ۲. در ارتباطات کلان اجتماعی شامل ارتباط میان حکومت و مردم (چه مؤمن و چه غیرمؤمن) و همچنین ارتباط میان احزاب و گروه‌ها، در واقع، باید چنین گفت که در جامعه‌ی اسلامی، الزاماً باید در همه‌ی سطوح روابط، مسئله‌ی ارتباط بر اساس رحمت لحاظ شود، در غیر این صورت، نقش عوامل بسیار متعددی که کیفیت روابط میان انسان‌ها را خدشه‌دار می‌کنند،

پرننگ‌تر خواهد شد، تضادها و تعارض‌ها گسترش خواهد یافت و گسست روابط و آسیب‌های بیشمار آن پدیدار خواهد گردید.

در آیات قرآن کریم و روایات معصومین^(ع)، توصیه‌های فراوانی نسبت به رعایت رحمت در سطوح روابط اجتماعی وجود دارد. قرآن اصحاب یمین را این‌گونه معرفی می‌کند: «تا از آن کسانی شود که ایمان آوردند و یکدیگر را به صبر و ترحم سفارش کردند* آنان اصحاب یمین هستند» (بلد: ۱۸-۱۷).

در حوزه‌ی خانواده، قرآن به فرزندان توصیه می‌کند نسبت به پدر و مادر خود رحمت داشته باشد و برای آنان طلب رحمت الهی کنند: «از در رحمت پر و بال مسکنت بر ایشان بگستر و بگو پروردگارا! این دو را رحم کن، همان‌طور که مرا در کودکی ام تربیت کردند» (اسراء: ۲۴). قرآن کریم همچنین رحمت را یکی از دو رکن پایداری زندگی زناشویی معرفی می‌کند: «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند، قطعاً نشانه‌هایی است» (روم: ۲۱). معصومین^(ع) نیز همه را نسبت به کودکان جامعه که افرادی ضعیف و ناتوان هستند، به محبت و رحمت توصیه می‌کنند: «کودکان را دوست بدارید و بر آنان رحم کنید» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۶، ص ۴۹؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۰، ص ۹۴).

درباره‌ی روابط میان مؤمنان در جامعه‌ی اسلامی می‌فرماید: «محمد رسول خدا است و کسانی که با او هستند، علیه کفار شدید و بی‌رحم‌اند و در میان خود رحیم و دلسوزند» (فتح: ۲۹)؛ و در خطاب خود به نبی مکرم^(ص)، رحمت را عامل اساسی شکل‌گیری روابط نرم و به دور از خشونت در جامعه معرفی می‌کند: «رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند؛ پس چون امت به نادانی درباره‌ی تو بد کنند، از آنان درگذر و از خدا بر اسلامی طلب آموزش کن و برای دلجویی آنان، در کار جنگ مشورت نما؛ اما آنچه را که خود تصمیم گرفتی، با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد و یاری می‌کند» (آل‌عمران: ۱۵۹). روایات فراوانی نیز در این‌باره وجود دارد که لزوم وجود رحمت در روابط اجتماعی را بیان می‌کند. امام صادق^(ع) از رسول خدا^(ص) نقل می‌کند که اصلاح امت جز با رابطه‌ی رحمت‌گونه میان والی و مردم امکان‌پذیر نیست: «امامت شایسته نیست، جز برای مردی که سه خصلت داشته باشد: تقوا و ورعی که او را از نافرمانی خدا بازدارد، خویش‌تن‌داری که خشمش را آن کنترل کند، نیکو حکومت کردن بر افراد زیر فرمانش تا آنجا که نسبت به ایشان مانند پدری مهربان باشد» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۴۰۷). امیرالمؤمنین علی^(ع) هنگامی که مالک اشتر را به سوی امارت مصر گسیل داشتند، در نامه‌ای که به منشور حکومت علوی شهرت یافته است، می‌نویسند: «به دلت مهر و محبت رعیت را تلقین کن و لطف و احسان به آنان را. برای آنان درنده‌ی نیشدار نباش که خوردنشان را غنیمت شماری؛ زیرا که آنان دو دسته‌اند: یا برادران دینی تو هستند؛ یا هم‌نوع تو هستند» (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۲۷).

پیامبر اسلام همه را به رحمت در میان خود دعوت می‌کنند و آن را عامل جلب رحمت الهی می‌دانند: «خدای رحمانِ خجسته و والا، به مردمانِ دل‌رحم رحم می‌کند. به ساکنان زمین رحم

کنید تا آنکه در آسمان است، به شما رحم کند» (ابن ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۶۱). ایشان هشدار می‌دهند که اگر فردی از افراد جامعه نسبت به دیگران رحمت نداشته باشد، خداوند نیز به او رحم نخواهد کرد و رحمت خدا، تنها با رحمت ما نسبت به یکدیگر به ما تعلق خواهد یافت: «کسی که به مردم ترحم نکند، خداوند به او رحم نمی‌کند» (ابن‌اشعث، بیتا، ص ۱۶۷). خداوند تنها به بندگان مهربان خود، رحم می‌کند (همان، ص ۲۰۸). امیرالمؤمنین علی^(ع) از زبان رسول اکرم^(ص) فرمودند: «همانا خداوند مهربان است و مهربانان را دوست می‌دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۲۱۶).

رحمت نسبت به ضعفای جامعه توصیه‌ی دیگر آموزه‌های دینی است. پیامبر اسلام همه را توصیه می‌کنند که نسبت به کسانی که در جامعه در موضع ضعف و فقدان قرار گرفته‌اند، رحمت داشته باشند: «بر آن عزیزی که خوار شده و ثروتمندی که فقیر گشته است، رحم کنید» (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۶۶)؛ «بر ضعیفان خود رحم کنید و از خدا طلب رحمت نمایید» (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۱۲) بر ضعیفان خود رحم کنید که رحمت بر آن‌ها سبب رحمت خدا بر شما می‌شود (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۲۶۲)؛ همچنین همگان را نسبت به دو گروه دیگر در جامعه توصیه به رحمت می‌نمایند: «ارْحَمُوا الْأَوْلَادَ وَالْيَتِيمَ» (ابن‌شعبه، ۱۴۰۴، ص ۱۵۲). علامه مجلسی در بیان معنای «ارمله» در این روایت می‌نویسد: ارمله بر افراد ضعیف، مسکینان، کسی که اهلی ندارد و زنی که شوهرش را ازدست داده است، اطلاق می‌شود (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۴، ص ۲۹۲). امام صادق^(ع) می‌فرمایند که حضرت مسیح می‌گفت: «مردم دودسته‌اند: صاحب عافیت و سلامتی و مبتلا به بلا؛ بر عافیت حمد خدا را به‌جا آورید و بر اهل بلا رحم کنید» (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۸).

رسول خدا از خداوند متعال نقل می‌کنند: «اگر رحمت مرا می‌خواهید، به خلق من رحم کنید» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۷). امام موسی‌بن‌جعفر^(ص) به علی‌بن‌یقطین فرمودند: «دلسوز برادران خود باشید، به آنان رحم کنید تا به ما ملحق شوید» (مجلسی، ۱۳۶۲، ج ۷۲، ص ۳۷۹). امام صادق^(ص) فرمودند: «صله‌رحم انجام دهید، نیکی کنید، مهربانی و دلسوزی نمایید و برای یکدیگر برادر خوب و دلسوزی باشید، همان‌طوری که خداوند دستور داده است» (کوفی، ۱۴۰۲، ص ۲۲)؛ و در روایت مشابهی از ایشان آمده است: «با یکدیگر پیوستگی و خوش‌رفتاری و مهرورزی و عطف داشته باشید» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۲، ص ۱۷۵). «رسول خدا^(ص) فرمودند: قسم به آنکه جانم در دست اوست، خداوند رحمتش را جز بر افراد رحم‌کننده قرار نمی‌دهد. گفتیم: ای رسول خدا! ما همه رحیم هستیم. فرمودند: رحیم کسی نیست که تنها به خودش و خانواده‌اش رحم می‌کند، او کسی است که به همه‌ی مسلمانان رحم می‌کند» (ابن‌ابی‌جمهور، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۷۷). «سوگند به آنکه جانم در دست اوست، وارد بهشت نمی‌شوید تا اینکه به همدیگر رحم کنید. عرض کردند: ای رسول خدا! همه‌ی ما دل‌رحم و مهربانیم. حضرت فرمود: نه اینکه به یک فرد خاصی رحم کنید، بلکه به عموم مردم رحم و مهربانی کنید. به همه‌ی مردم رحم کنید.» امام علی^(ع) فرمودند: «مهربانی با همه‌ی مردم و نیکی به ایشان را شعار دل خویش ساز و به آنان ستمی مرسان و شمشیری بر آنان مباح» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۷۶).

۳. آثار تربیتی «رحمت» در حوزه‌ی اجتماعی

گسترش رحمت در روابط اجتماعی آثار و برکات تربیتی پرخیری را به دنبال دارد که ناشی از ویژگی‌ها و خصوصیات است که فضای ارتباط رحمت‌گونه دارد. این ویژگی‌ها و آثار از دو جهت قابل‌بررسی است: یکی از جهت معناشناسی رحمت و یکی از جهت بررسی آیات و روایات در این زمینه. از جهت معناشناسی پیش‌تر گفته شد که میان دو واژه‌ی «رحمت» و «رحم» ارتباط وجود دارد؛ در نتیجه، ویژگی‌های این دو را باید در نظر گرفت. بررسی معنای طبیعی رَحِم نشان می‌دهد، رَحِم که به‌عنوان جایگاه رشد و بالندگی جنین در وجود مادر است، ویژگی‌هایی دارد که مجموع آن‌ها در نهایت، منجر به تکامل جنین و تولد کودکی سالم می‌شود. این ویژگی‌ها که به‌زودی بررسی خواهد شد، در روابط رحمت‌گونه میان انسان‌ها نیز وجود دارد و در نهایت، زمینه‌ی رشد و بالندگی روحی و معنوی افراد را به دنبال دارد؛ اما از جهت آموزه‌های دینی نیز، در آیات و روایات ویژگی‌هایی برای فضای رحمت‌گونه در روابط اجتماعی بیان شده است. یکی از بهترین آیات در این زمینه، آیه‌ی ۱۵۹ سوره‌ی آل‌عمران است که خداوند خطاب به پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» رحمت خدا تو را با خلق، مهربان و خوش‌خوی گردانید و اگر تندخو و سخت‌دل بودی، مردم از پیرامون تو متفرق می‌شدند؛ پس چون امت به نادانی درباره‌ی تو بد کنند، از آنان درگذر و از خدا بر آنان طلب آمرزش کن و برای دلجویی آنان در کار جنگ مشورت نما؛ اما آنچه را که خود تصمیم گرفتی، با توکل به خدا انجام ده که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند، دوست دارد و یاری می‌کند.

این آیه مربوط به وقایع جنگ احد است که بیشتر مسلمانان از دستوره‌ای پیامبر (ص) سرپیچی کردند و شکست خوردند، تعداد بسیاری از ایشان کشته شدند و باقی آنان پا به فرار گذاشتند و حتی رسول خدا (ص) را مسئول این اتفاقات می‌دانستند. با وجود این، رسول مکرم اسلام (ص) به‌واسطه‌ی رحمتی که خداوند به ایشان داده بود، نسبت به ایشان نرمی و لطافت به خرج داد و از خطای آنان گذشت و از خداوند برای ایشان طلب استغفار کرد و با ایشان در امور مربوط به جامعه مشورت نمود. در این آیه، خداوند ویژگی‌ها و آثاری را برای رحمت در روابط اجتماعی برمی‌شمارد که هر یک به‌تنهایی در تنظیم روابط میان افراد جامعه و ارتقای کیفیت این ارتباطات و کاهش آفات آن بسیار مؤثر است.

هنگامی که شخصیت افراد بر اساس رحمت شکل‌گرفته باشد، توجه به رنج و محرومیت‌های دیگران برای آنان در اولویت قرار می‌گیرد و تنها منافع فردی خودشان برای آنان ارزشمند نخواهد بود. چنین افرادی سعادت خود را در خوشبختی دیگران می‌بینند و محرومیت‌ها و مصائب دیگران را رنج و درد خود می‌دانند و در نتیجه، با دیگران پیوند عمیق برقرار خواهند کرد و خود را در برابر بهزیستی و سعادت دیگران مسئول می‌دانند. در چنین فضایی، مشاهده‌ی کمبودها و محرومیت‌های معنوی و مادی دیگران، محبت و شفقت آنان را برمی‌انگیزاند و آنان را وامی‌دارد تا برای رفع آن محرومیت‌ها اقدام کنند، بدون آنکه در قبال چنین تلاشی انتظاری داشته باشند. چنین فضایی، آثار

بسیار تربیتی در جامعه خواهد داشت که به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱.۳. انعطاف‌پذیری در زندگی جمعی

یکی از برکات رحمت نرم‌خویی و انعطاف‌پذیری در روابط اجتماعی است: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ». زندگی جمعی انسان‌ها به حکم کیفیت پیدایشش، همواره در معرض تضادهای فراوانی است که روابط میان افراد جامعه را به سردی می‌کشاند و خشونت و سختی را گسترش می‌دهد، درحالی‌که بقا و حیات جامعه جز با روابطی به دور از خشکی و خشونت امکان ندارد. فضای رحمت‌گونه در روابط اجتماعی انسان‌ها این امکان را فراهم می‌کند تا افراد جامعه در ارتباطات خود نرمی و لطافت و انعطاف‌پذیری را جایگزین خشونت و سختی کنند؛ در نتیجه، از بسیاری از مصائب و مشکلات پیشگیری می‌شود. کسانی که رحمت در وجودشان ریشه دوانده است، در روابط خود با دیگران کمالاتی از خود نشان می‌دهند که موجب تحکیم روابط اجتماعی و ارتقای کیفیت این روابط می‌شوند. این افراد سختگیری‌های بی‌مورد، انتقام‌جویی‌های بی‌ارزش، پافشاری بر روش رفتاری خاص، تمرکز بر کوتاهی دیگران نسبت به آنان، مواخذه‌های پی‌درپی، سرزنش کردن دیگران، مجادله‌های بی‌فایده، لجبازی‌های فسادانگیز و عیب‌جویی از دیگران را کنار می‌گذارند و سعی می‌کنند با صبر، ترحم، گذشت، تغافل، مهربانی، کمک کردن و خیرخواهی با دیگران ارتباط برقرار نمایند. یکی از جلوه‌های این انعطاف‌پذیری منبعث از رحمت در روابط اجتماعی، رفق و مدارا است که در لغت به معنای نرمی، لطافت، مهربانی (ابن‌اثیر، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۱۸؛ دهخدا، ۱۳۷۲، ذیل واژه رفیق)، تحمل و بردباری (ابن‌اثیر، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۱۱۵) است. زندگی جمعی انسان‌ها در کنار همدیگر به علت اختلاف در اراده‌ها، اخلاق و رفتارهای آنان، زمینه‌ی کاملاً مستعدی برای ناراحتی‌ها، دلخوری‌ها، اصطکاک‌ها و تضادها در سطوح مختلف روابط اجتماعی خرد و کلان را فراهم می‌کند. بسیاری از این مسائل و مشکلات با داشتن مدارا و رفق فرصت خودنمایی پیدا نخواهد کرد و در صورت ظهور و بروز نیز، با همین مهارت رفتاری در زندگی اجتماعی می‌توان آن‌ها را حل و فصل نمود.

۲.۳. توسعه‌ی روابط و همبستگی اجتماعی

یکی از دیگر از برکات فضای رحمت‌گونه در روابط اجتماعی، جلوگیری از گسست روابط و رغبت افراد جامعه به ارتباط داشتن با همدیگر است. قرآن کریم علت اینکه مردم به دور رسول خدا^(ص) جمع می‌شوند و با او ارتباط می‌گیرند، رحمتی می‌داند که در وجود ایشان است و باعث نرمی و رقت قلب او شده است: «لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّصُوا مِنْ حَوْلِكَ». رسول خدا به‌واسطه‌ی جایگاه عظیم اجتماعی که داشتند، همواره از سوی مردم متحمل جهل‌ها، کوتاهی‌ها، نافرمانی‌ها، بی‌ادبی‌ها و بسیاری مصائب دیگر می‌شدند؛ اما به‌واسطه‌ی رحمتی که داشتند، همه‌ی این سختی‌ها را تحمل می‌کردند و جاذبه‌ای حداکثری و دافعه‌ای حداقلی از خود به‌نمایش می‌گذاشتند؛ به همین سبب خداوند ایشان را این‌گونه وصف می‌نماید: «وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ» (قلم، ۴)؛ و

این قرآن ایشان را الگویی کامل برای همه‌ی بشریت به‌ویژه مؤمنین می‌داند که باید به او اقتدا کنند و در روابط میان خود رحمت را گسترش دهند: «قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست، برای آن‌کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند» (احزاب: ۲۱).

اگر افراد جامعه‌ی اسلامی این‌گونه به رسول خدا تأسی کنند و رحمت حداکثری را در روابط خود جاری نمایند، میل و رغبت آنان برای گسترش این روابط روزافزون خواهد بود و در نتیجه، اتحاد و همبستگی در جامعه روبه‌فزونی خواهد گذاشت. افرادی که رحمت در اخلاق و رفتار اجتماعی آنان جلوه‌گر است، دیگران را به دور خود جمع می‌کنند و مردم ارتباط با آنان را دوست دارند و مغتنم و دل‌نشین می‌شمارند. گسترش خلق‌وخوی رحمت‌محور در جامعه باعث استحکام روابط در جامعه و بالا رفتن میزان هم‌دلی و همبستگی اجتماعی می‌شود و این خود موجب برکات اجتماعی فراوانی برای همه‌ی افراد جامعه خواهد شد. در چنین فضایی، افراد در مراعات حقوق یکدیگر کوشاتر، در تشریک‌مساعی جدی‌تر و در رفع حوائج و مشکلات همدیگر پرتلاش‌تر و دلسوزتر خواهند بود. جلوه‌های بسیاری از چنین فضای ترسیم‌شده‌ای را می‌توان در کمک‌های مؤمنانه مردم در بحران‌های مختلف اجتماعی همچون بیماری‌های فراگیر، سیل و زلزله و همچنین تلاش‌های خودجوش و بدون چشم‌داشت گروه‌های جهادی در عرصه‌های عمرانی، پزشکی، فرهنگی و اجتماعی و همچنین تلاش‌های هرچند خرد مردم محله‌ها در مساجد و جمع‌های نیکوکاری برای کمک به قشر آسیب‌پذیر، محروم و نیازمند را مشاهده کرد.

۳.۳. گسترش گذشت، تغافل، استغفار

سومین اثر از آثار فضای رحمت‌گونه در روابط اجتماعی، گذشت و تغافل افراد جامعه نسبت به یکدیگر و طلب مغفرت از خداوند برای همدیگر است. قرآن کریم به پیامبر رحمت می‌فرماید: «فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ». افرادی که رحمت در وجود آنان تبلور یافته است، به‌راحتی از اشتباهات دیگران چشم‌پوشی می‌کنند و به‌راحتی در مقام مواخذه قرار نمی‌گیرند. نه‌تنها این کار را می‌کنند، بلکه به خاطر لطافت درونی خود، نسبت به این افراد ترحم و لطف و مهربانی دارند و از خداوند برای اشتباهات (ضعف‌های معنوی) آنان طلب آمرزش نیز می‌نمایند. ناگفته پیداست، جامعه‌ای که روابط میان افراد آن این‌گونه منبعث از رحمت باشد، هم حالات درونیشان و هم رفتار ظاهریشان، تقویت‌کننده و ارتقادهنده‌ی ارتباطاتشان است و بسیاری از آسیب‌های اجتماعی و مصائب زندگی جمعی از جامعه‌ی آنان دور خواهد بود. چنین جامعه‌ای به علت گذشت و تغافلی که در افرادش وجود دارد، پرونده‌های قضایی بسیار کمتری خواهد داشت، صمیمیت و گرمی میان آنان بیشتر خواهد بود و انتقام‌جویی و تلافی‌گری‌هایی که به‌شدت روابط را خدشه‌دار می‌کند، کاهش خواهد یافت.

این ویژگی حتی در روابط میان حکومت و مردم نیز وجود دارد. حکومتی که رحمت را اصلی برای حکمرانی می‌داند، از بسیاری از اشتباهات خرد و کوچک مردم درمی‌گذرد و کمترین درگیری

و تقابل را با آنان دارد؛ بنابراین، امیرالمؤمنین^(ع) به مالک اشتر فرمودند: «از آنان خطاها سر خواهد زد و علت‌هایی عارضشان خواهد شد و به‌عمد یا خطا، لغزش‌هایی کنند؛ پس از عفو و بخشایش خویش نصیبشان ده، همان‌گونه که دوست داری که خداوند نیز از عفو و بخشایش خود تو را نصیب دهد.» ایشان در بیاناتی دیگر می‌فرمایند: «به فرودست خود رحم کن تا فرادستت به تو رحم کند و خطای او را با خطای خودت بسنج و نافرمانش از تو را با نافرمانی خود از پروردگارت و احتیاج او به ترحم تو را به احتیاجت به رحمت و بخشایش خدایت» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۴۳). شایسته است که افراد پاک‌دامن و بهره‌مند از سلامت، با گنه‌کاران و اهل معصیت مهربان باشند و سپاس‌گزاری [از خداوند] بر جان آنان چیره باشد (شریف رضی، ۱۴۱۴، ص ۱۹۷).

۴.۳. ایجاد حس مسئولیت‌پذیری نسبت به جامعه

رحمت موجب می‌شود، ما خود را مسئول کاستی‌ها، ضعف‌ها و محرومیت‌های افراد جامعه بدانیم و برای رفع آن‌ها تلاش کنیم. چنین نگاهی ما را نسبت به جامعه مسئولیت‌پذیر می‌کند؛ مسئولیتی که قرار نیست در قبال تلاشی که برای آن می‌کنیم، طلب اجر و مزدی داشته باشیم. ما خود را در برابر خداوند، پاسخگوی محرومیت‌های اجتماعی می‌دانیم و به‌اندازه‌ی توان و امکاناتمان، در راه از بین بردن آن‌ها تلاش می‌کنیم.

مرتبه‌ی اعلای این مسئولیت‌پذیری رحمت‌محور را می‌توان در وجود رسول مکرم اسلام^(ص) مشاهده کرد که قرآن کریم درباره‌ی ایشان می‌فرماید: «قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است» (توبه: ۱۲۸). ایشان به‌اندازه‌ی خود را در هدایت مردم و نجات آنان مسئول می‌دانستند که قرآن کریم خطاب به ایشان می‌فرماید: «شاید تو از پی ایشان از غم اینکه چرا قرآن را باور ندارند، خویششان را هلاک کنی» (کهف: ۶)؛ و می‌فرماید: «گویا می‌خواهی خویششان را تلف کنی، برای اینکه آنان ایمان نمی‌آورند» (شعراء: ۳). این آیات نهایت دلسوزی پیامبر^(ص) نسبت به مردم را نشان می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۱۸۵)؛ و این نبود، جز به سبب رحمتی که پیامبر^(ص) نسبت به مردم داشت: «و ما تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستاده‌ایم» (انبیاء: ۱۰۷)؛ بنابراین، ایشان بارها در این مسیر پرمشقت می‌فرمودند: هیچ چشم‌داشتی از شما ندارم جز اینکه هدایت‌پذیر شوید؛ بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز اینکه هر کس بخواهد، راهی به‌سوی پروردگارش [در پیش] گیرد» (فرقان: ۵۷)؛ یا اینکه نسبت به اهل‌بیت من که آنان نیز هدایتگران شما پس از من هستند، مودت کنید؛ بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی درباره‌ی خویشاوندان» (شورا: ۲۳).

همین پیامبر رحمت که این‌گونه دلسوز مردم است و خود را در برابر حوائج آنان مسئول می‌داند، خطاب به همه‌ی امت خود در هر جایگاهی که قرار دارند، می‌فرماید: «بدانید که همه‌ی شما مسئولید و همه‌ی شما نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شوید. فرمانروای مردم مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود. مرد سرپرست خانواده است و

نسبت به آنان بازخواست می‌گردد. زن مسئول خانه‌ی شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان بازخواست می‌شود. برده مسئول مال مالک خود است و در برابر آن مسئول است؛ پس بدانید که همه‌ی شما مسئولید و همه‌تان در برابر زیردستان خود، بازخواست می‌شوید» (نیشابوری، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۴۵۹؛ اَبی‌داوود، ۱۴۲۰، ج ۳، ص ۱۳۰).

۵.۳. برقراری امنیت کامل در روابط

در بخش معناشناسی رحمت توضیح داده شد که به اعتقاد برخی، رحمت از رحم به معنای جایگاه جنین در بطن مادر گرفته شده است و در واقع، معنای انتزاعی رحمت از یک معنای طبیعی (رحم) اتخاذ گردیده است؛ در نتیجه، ویژگی‌های معنای طبیعی را در معنای انتزاعی باید لحاظ کرد تا فهم دقیق‌تری از ابعاد معنای رحمت داشته باشیم.

جنین در رحم مادر از امنیت کامل برخوردار است و هیچ ناامنی و خطری احساس نمی‌کند. همه‌ی شرایط برای زندگی او در این فضا فراهم شده است. میکروب‌ها به رحم راه ندارند. جنس رحم به گونه‌ای است که نطفه‌ی ضعیف و در حال نابودی را در خود محافظت می‌کند و آسیبی به او نمی‌رساند. گرما و سرما را کنترل می‌نماید و خلاصه، او را از هر آسیب و خطری محفوظ نگه می‌دارد. در زندگی جمعی انسان‌ها نیز، مهم‌ترین نیاز افراد احساس امنیت است. اگر ارتباطات میان افراد جامعه به گونه‌ای باشد که این امنیت به‌ویژه امنیت روانی را برقرار نکند، روابط به سستی می‌گراید و گسست اجتماعی رخ خواهد داد. در فضایی که روابط بر مدار و محور رحمت شکل نگرفته باشد، تضادهای میان افراد خودنمایی می‌کند، گذشت از یکدیگر کاهش می‌یابد، درگیری‌های میان افراد بالا می‌گیرد، سوءظن‌ها گسترش می‌یابد، تشریک‌مساعی در جبران ضعف‌ها کم می‌شود و بسیاری از رذایل اخلاقی در جامعه گسترش می‌یابد؛ در نتیجه، روح و روان افراد جامعه آسیب می‌بیند و امنیت رخت برمی‌بندد؛ اما اگر رحمت در روابط گسترش یابد، صبر، گذشت، تغافل، مهربانی و دلسوزی، رقت قلب، نوع‌دوستی، احسان و دستگیری، عیب‌پوشی، خیرخواهی، کمک به ضعفا و زمین‌خوردگان و بسیاری از فضایل اخلاقی در میان افراد جامعه گسترش می‌یابد و در نتیجه، احساس امنیت در جامعه به شکل فزاینده‌ای توسعه پیدا می‌کند، چنان‌که پیامبر اسلام^(ص) می‌فرماید: «الرَّحْمَةُ تَغْلِبُ السُّخْطَ؛ رحمت، غضب و تندخویی را مغلوب می‌کند» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۱۵، ص ۳۵۹).

۶.۳. برآورده شدن حداکثری نیازها

جنین در رحم مادر نیازهای بسیاری دارد؛ اما هیچ‌گونه توانایی برای تأمین آن‌ها و یا درخواست کردن آن‌ها را ندارد. خداوند رحمان و رحیم که رَحِم را آفریده و آن را از نام خود نام‌گذاری نموده است، به گونه‌ای این فضا را خلق کرده است که جنین همه‌ی نیازهایش را بدون اینکه درخواستی کند، برآورده می‌بیند. این ویژگی در فضای رحمت‌گونه روابط اجتماعی نیز دیده می‌شود. بسیاری از افراد جامعه نیازهای متکثری دارند که قدرت تأمین آن‌ها را ندارند. بسیاری از آنان با ضعف‌ها

و فقدان‌های مادی و معنوی دست‌وپنجه نرم می‌کنند که باید مورد یاری دیگران قرار گیرند. در جامعه‌ی مؤمنان، کسانی که رحمت را در وجود خود پرورانده‌اند، توجه ویژه‌ای به نیازها و ضعف و فقدان‌های دیگران دارند و در تلاش‌اند تا بتوانند به این افراد کمک کنند و نیازها و نداشته‌هایشان چه مادی و چه معنوی را پیش از درخواست آنان جبران نمایند. کمک‌های مؤمنانه‌ی مردم در جامعه جلوه‌ای از این رحمت است. همسرانی که رحمت را ملاک تعامل خود قرار داده‌اند، سعی بلیغ و دلسوزانه‌ای در رفع نیازها و کاستی‌های معنوی و روحی یکدیگر دارند. این برآوردن نیازها خود موجب تأمین احساس امنیت در افراد نیز می‌شود؛ پس در فضای روابط رحمت‌محور، تلاش افراد برای توجه به محرومیت‌ها و ضعف‌های معنوی و مادی و کمک به برطرف کردن آن‌ها است.

۷.۳. نداشتن چشم‌داشت در ایصال رحمت

در روابط رحمت‌گونه، همه‌ی تلاش‌هایی که برای رفع نیازها و جبران فقدان‌ها صورت می‌گیرد، برای هیچ چشم‌داشتی نیست؛ به عبارت دیگر، آن فردی که بر اساس اصل رحمت نسبت به برآوردن نیازها و جبران ضعف‌های دیگران قدمی برمی‌دارد، این کار را ایثارگرانه و بدون داشتن ذره‌ای توقع انجام می‌دهد و اجر و مزد خود را از خداوند طلب می‌کند، نه از بنده‌ی او. چنان‌که رحمت مادر نسبت به فرزند خردسال ضعیف و ناتوانش باعث می‌شود، نیازهای او را برآورده کند و او را تر و خشک نماید، بدون آنکه توقعی از کودک داشته باشد. افراد جامعه نیز چنین هستند که در کمک‌های برخاسته از رحمت خود به دیگران، هیچ‌گونه چشم‌داشتی ندارند، چنان‌که قرآن از زبان پیامبر رحمت نقل می‌کند که در مسیر تلاش برای هدایت مردم و آبادانی دنیا و آخرت آنان، هیچ چشم‌داشتی نداشت و در قبال آن هیچ درخواستی جز هدایت‌پذیری نکرد.

۸.۳. زمینهاز رشد فردی و اجتماعی

به جد می‌توان ادعا کرد که بزرگ‌ترین ویژگی و ثمره‌ی روابط اجتماعی رحمت‌گونه، ایجاد فضای رشد و تکامل است. رحم مادر با برقراری امنیت کامل جنین و رفع نیازهای او و به برکت رحمت مادر به او زمینه‌ی رشد را فراهم نموده است تا به تکامل خود در این مرحله از زندگی برسد و متولد شود. با عنایت به توضیحات ارائه‌شده برای آثار تربیتی رحمت در روابط اجتماعی، این ویژگی در افراد فضایی را ایجاد می‌کند که ضعف‌ها به قوت تبدیل گردند و فقدان‌ها و نقص‌های مادی و معنوی برطرف شوند و افراد جامعه زمینه‌ی رشد مادی و معنوی را پیدا کنند و به برکت رحمت اجتماعی گسترده سیر تکامل خود را طی نمایند و سعادت‌مند این دنیا را پشت سر بگذارند.

۴. نتیجه‌گیری

زندگی جمعی انسان‌ها، نظام اجتماعی بسیار پیچیده‌ای را شکل داده است که مدیریت مسائل و مشکلات آن را بسیار دشوار کرده است. زندگی اجتماعی دست‌کم به دو واسطه مورد اخلاق و

گسست می‌شود؛ یکی به‌واسطه‌ی کیفیت پیدایش آن، ویژگی‌های فطری انسان، عوامل اجتماعی، فرااجتماعی و فراطبیعی که همواره مستعد وقوع تضادها، درگیری‌ها و اصطکاک میان افراد جامعه است و دیگری وجود افراد بسیاری که از جهات گوناگون معنوی و مادی دچار محرومیت‌ها، ضعف‌ها و ناتوانی‌ها هستند و خود به‌تنهایی قادر به رفع آن‌ها و رشد و تکامل نیستند. مدیریت و حل‌وفصل این دو مشکل و مسئله‌ی عمده‌ی اجتماعی تا حد محدودی با وضع قوانین و اجرای آن امکان‌پذیر است؛ اما این مسیر به‌تنهایی کفایت مدیریت اجتماع را نمی‌کند؛ بنابراین، در دین اسلام در کنار وضع قوانین، راهکارهای اخلاقی (نظری و عملی) نیز پیش‌بینی شده است تا بهتر بتوان مسائل و مشکلات زندگی جمعی انسان‌ها را مدیریت کرد. این راهکارهای اخلاقی بسیار متعدّدند و شناخت و فهم آن‌ها مهم‌ترین رکن کاربست آن‌ها است.

شناخت دقیق و صحیح آموزه‌های دینی و به‌کار بستن آن‌ها جز با فهم دقیق واژگان کلیدی امکان‌پذیر نیست. نداشتن چنین فهمی، ما را از آثار پر خیر و برکت آموزه‌های اسلام محروم می‌کند. یکی از واژگانی که باید بر فهم درست آن تأکید کرد، واژه‌ی «رحمت» در حوزه‌ی روابط اجتماعی است. بررسی موشکافانه‌ی این واژه بر اساس فرهنگ‌های لغت عرب و همچنین آیات و روایات و بیانات مفسران در این‌باره نشان می‌دهد که معنای آن بسیار فراتر از یک حس دلسوزی و ترحم و مهربانی نسبت به کسانی است که دچار رنج و المی شده‌اند. درواقع، رحمت به معنای حس رقت قلبی ممدوحی است که به‌واسطه‌ی مشاهده‌ی محرومیت، ضعف و ناتوانی دیگری پدیدار می‌گردد و توجه و عطف ما را برمی‌انگیزاند تا با محبت و مهربانی و دلسوزی و رأفت نسبت به محرومیت معنوی یا مادی او، برای جبران و رفع آن دست به اقدام عملی بزنیم و برای تحقق این هدف، ایثارگرانه و بدون چشم‌داشت تلاش کنیم. بررسی آیات و روایات بیانگر آن است که اصل رحمت در هر سطحی از روابط اجتماعی باید موردتوجه قرار گیرد، چه روابط خرد اجتماعی همچون روابط روزمره‌ای که میان افراد جامعه وجود دارد، چه در محدوده‌ی روابط خانوادگی و چه در سطوح کلان‌تر همچون روابط میان احزاب، گروه‌ها و سازمان‌ها و در بالاترین سطح ارتباط متقابل میان مردم و حکومت.

با بررسی تلازم معنای طبیعی و انتزاعی رحمت و همچنین تحلیل آیات و روایات مرتبط با رحمت در حوزه‌ی روابط اجتماعی می‌توان چندین ویژگی و اثر تربیتی برای روابط اجتماعی رحمت‌محور برشمرد که هر یک در بهبود بهزیستی اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند. انعطاف‌پذیری در روابط اجتماعی و نرمی و لطافت نشان دادن نسبت به یکدیگر، توسعه یافتن روابط میان افراد جامعه و درنتیجه، توسعه‌ی همبستگی و همدلی اجتماعی، گسترش خوی گذشت و تغافل در روابط، مسئولیت‌پذیر کردن افراد نسبت به همدیگر و جامعه، برقراری احساس امنیت در میان افراد جامعه، برآورده شدن حداکثری نیازهای افراد ضعیف، ناتوان و نیازمند، نداشتن انتظار و چشم‌داشت افراد جامعه نسبت به محبت و مهربانی عملی که به هم دارند و درنهایت، زمینه‌سازی برای رشد فردی و اجتماعی در جامعه از مهم‌ترین این ویژگی‌ها و آثار روابط اجتماعی رحمت‌گونه است.

منابع

- قرآن کریم؛ ترجمه‌ی محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ترجمه‌ی محمد دشتی؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
- ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله؛ شرح نهج البلاغه؛ ترجمه‌ی غلامرضا لایقی؛ قم: آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن ابی‌جمهور، محمد بن زین‌الدین؛ عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة؛ تحقیق مجتبی عراقی؛ قم: سیدالشهداء، ۱۴۰۵ ق.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد؛ النهایة فی غریب الحدیث و الأثر؛ قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
- ابن اشعث، محمد بن محمد؛ الجعفریات؛ تهران: نینوا، بی‌تا.
- ابن بابویه، محمد بن علی؛ الامالی؛ ترجمه‌ی محمد باقر کمره‌ای؛ چاپ پنجم، بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ ق.
- ابن خلدون، عبد الرحمن بن محمد؛ تاریخ ابن خلدون؛ لبنان: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ابن درید، محمد بن حسن؛ الاشتقاق؛ بیروت: دار الجلیل، ۱۴۱۱ ق.
- _____؛ جمهره اللغة؛ بیروت: دارالعلم، ۱۹۸۸ م.
- ابن سیده، علی بن اسماعیل؛ المحکم و المحيط الأعظم؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ ق.
- ابن شعبه، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
- ابن فارس، احمد؛ معجم مقایس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ قم: الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ تحقیق جمال‌الدین میردامادی؛ چاپ سوم، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- ابوداود، سلیمان بن اشعث؛ سنن أبی داود؛ قاهره: دارالحدیث، ۱۴۲۰ ق.
- ازدی، عبدالله بن محمد؛ کتاب الماء؛ تهران: دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۷ ش.
- ازهری، محمد بن احمد؛ تهذیب اللغة؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۱ ق.
- ترمذی، محمد بن عیسی؛ سنن الترمذی؛ قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۹ ق.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ترجمه‌ی خوانساری؛ قم: دفتر تبلیغات، ۱۳۶۶ ش.
- جابر ورزنه، علیرضا؛ میرجلیلی، علی محمد؛ فلاح، محمد حسین؛ «آثار تربیتی شفقت در حوزه‌ی فردی و اجتماعی از منظر قرآن و روایات»؛ آموزه‌های تربیتی در قرآن و حدیث، دوره‌ی ۴، شماره‌ی ۱، ۱۳۹۸ ش.
- جرجانی، علی بن محمد؛ کتاب التعریفات؛ تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۰ ش.
- جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)؛ چاپ سوم، عربستان: دارالعلم، ۱۴۰۴ ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن؛ تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ قم: آل‌البتی، ۱۴۰۹ ق.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
- حسینی، حمید؛ آموزش پژوهش؛ قم: شمیم یاس ولایت، ۱۳۹۳ ش.

- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی؛ تفسیر روح البیان؛ بیروت: دارالفکر، بی تا.
- حمیری، نشوان بن سعید؛ شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۰ ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر؛ قرب الإسناد؛ ترجمه‌ی رضوان ایرجی زاده؛ قم: آل البيت، ۱۴۱۳ ق.
- دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران، روزنه، ۱۳۷۲ ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ اول، بیروت: دار العلم، ۱۴۱۲ ق.
- _____؛ جامع التفاسیر؛ کویت: دارالدعوه، ۱۴۰۵ ق.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر؛ بیان السعادة فی مقامات العبادة؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۰۸ ق.
- شیبانی، محمد بن حسن؛ نهج البیان عن کشف معانی القرآن؛ قم: الهادی، ۱۴۱۳ ق.
- صاحب، اسماعیل بن عباد؛ المحيط فی اللغة؛ بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
- طباطبایی، محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه‌ی محمد باقر موسوی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، علی بن حسن؛ مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار؛ ترجمه عزیزالله عطاردی؛ چاپ دوم، نجف: حیدریه، ۱۳۸۵ ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد؛ مجمع البحرین؛ چاپ سوم، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵ ش.
- طیب، عبدالحسین؛ اطیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: اسلام، ۱۳۶۹ ش.
- عسکری، حسن بن عبدالله؛ الفروق فی اللغة؛ بیروت: دار الافاق الجدیده، ۱۴۰۰ ق.
- عسکری نیا، ابوالفضل و لطفی، منا؛ روش تحقیق در مدیریت؛ تهران: فراهما، ۱۳۹۰ ش.
- فراهیدی، خلیل بن احمد؛ کتاب العین؛ چاپ دوم، قم: هجرت، ۱۴۰۹ ق.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب؛ قاموس المحيط؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- فیومی، احمد بن محمد؛ مصباح المنیر؛ بی جا: بی نا، بی تا.
- قرشی، سید علی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ترجمه‌ی سید جواد مصطفوی؛ قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ ق.
- کوفی اهوازی، حسین بن سعید؛ الزهد؛ تحقیق غلامرضا عرفانیان؛ ترجمه‌ی عبدالله صالحی؛ قم: علمى، ۱۴۰۲ ق.
- مجلسی، محمد باقر؛ بحار الانوار؛ بیروت: موسسه الوفاء، ۱۳۶۲ ق.
- مصطفوی، حسن؛ التحقيق فی کلمات القرآن الکریم؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد، ۱۳۶۸ ش.
- مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب، ۱۴۲۱ ق.
- مناوی، محمد بن عبدالرئوف؛ فیض القدر فی شرح الجامع الصغیر؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق.
- مهنا، عبدالله علی؛ لسان السان؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۳ ق.
- موسی، حسین یوسف؛ الافصاح فی فقه اللغة؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
- نهاوندی، محمد؛ نفحات الرحمن فی تفسیر القرآن؛ قم: البعثة، ۱۳۸۶ ش.
- نووی، محمد؛ مراج لیبید لکشف معنی القرآن المجید؛ بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۷ ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج؛ صحیح مسلم؛ قاهره: دارالحدیث، ۱۴۱۲ ق.

